

بسمه تعالی

فرهنگ آبادیهای شهرستان خوی

مؤلف:

عبّاس ملا عبّاس زاده

سرشناسه	: ملاعباس زاده ، عباس ، ۱۳۲۳ -
عنوان و نام پدید آورنده	: فرهنگ آبادیهای شهرستان خوی/مؤلف عباس ملاعباس زاده.
مشخصات نشر	: خوی: قراقوش، ۱۳۸۸ .
مشخصات ظاهری	: ۲۳۱ ص.
شابک	: 978-964-7897-46-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: روستاها—ایران—خوی
موضوع	: خوی
رده بندی کنگره	: DSR ۲۰۸۵/۸۴۷
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۳۳۲۵
شماره کاتالوژی ملی	: ۱۹۳۷۸۱۳



انتشارات قراقوش - شهرستان خوی

نام کتاب: فرهنگ آبادی های شهرستان خوی

نام مؤلف: عباس ملاعباس زاده

ناشر: انتشارات قراقوش

قطع: وزیری

تیراژه: ۱۰۰۰

چاپ: تسنیم گرافیک آفرینش نوین خوی

شابک: 978-964-7897-46-4

Isbn: 978-964-7897-46-4

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

همه حقوق مادی این اثر متعلق به مؤلف است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
بخش مرکزی	
دهستان رها	۹-۴۲
دهستان فیروزق	۴۳-۷۰
دهستان گوهران	۷۱-۸۲
دهستان قره سو	۸۲-۱۰۲
دهستان دیزج جمشید خان	۱۰۳-۱۳۰
بخش ابواوغلی	۱۳۱-۱۴۵
دهستان ولدیان	۱۴۶-۱۵۹
بخش صفائیه	
دهستان الند	۱۵۹-۱۷۱
دهستان سکمن آباد	۱۷۱-۲۰۳
بخش قطور	
۱- دهستان زری	۲۰۳-۲۱۱
۲- دهستان قطور	۲۱۱-۲۲۷
منابع فرهنگ آبادیهای شهرستان خوی	۲۲۸-۲۳۱

علائم اختصاری :

نشان دهنده	علامت
فارسی	(ف)
ترکی	(ت)
عربی	(ع)
فارسی پهلوی	پهلوی
ترکی مغولی	(ت مغ)
صفت	(ص)
متن تاریخی	(م ت)
متن اصلی	(م)

مقدمه ای بر وضعیت معاش، آداب و رسوم، نظام اجتماعی و

اقتصادی روستاهای خوی

هدف از بررسی زندگی روستانشینان شهرستان خوی شناخت نقاط قوت و ضعف آن ها با تغییر دادن کیفیت و کمیت ها جهت بهبود بخشیدن زندگی اجتماعی و معیشت ساکنان نواحی تابعه ی خوی می باشد. با شناخت دقیق می توان حوادث و واقعیت ها را پیش بینی کرد و جهت رفاه زحمت کشان واقعی جامعه با جبر زمانه در افتاد و حاصل زحمات و مطالعه را از اطاق های کار به صحنه ی زندگی انسان ها کشید.

به طور خلاصه زندگی مادی روستانشینان شهرستان خوی با تغییر دادن کشت سستی مانند کشت محصولات جالیزی و درختان خودرو، گندم و جو و تبدیل آنها به تخم کدو اجیلی و آفتابگردان و پیوند درختان میوه در حدود سال ۱۳۵۰ ه.ش به این طرف در حال صعود و بهبود معیشتی آبادی نشینان بوده و هر سال نسبت به سال گذشته در آمدشان بهتر می شود.

اجمالاً با اشاره به جامعه ی عشایری شهرستان خوی که بیشتر در غرب و ناحیه ی ییلاقی ساکن هستند، دامپروری رکن اساسی و غالب زندگی اقتصادی ان ها می باشد. لازم به ذکر است که در گذشته نقل و انتقال احشام در فصول معین مانند ییلاق و فشلاق کردن و دسترسی به مراتع با اسکان اجباری و یا اختیاری عشایر، انتقال جامعه ی عشایری به جامعه ی دهقانی و شهری مشهود می باشد. برای مثال به وجود آمدن دانشگاه های مختلف در شهرهای بزرگ و کوچک، حتی در بعضی از بخش ها تسهیلاتی برای جوانان پسر عشایری ایجاد کرده است. بنابر این در بخش تربیت دام و احشام مردان عشایر در سن بالا عهده دار این بخش از تولید شده اند و عملاً طبقه ی جوان عشایری، شهرنشین و راحت طلب گردیده است.

در مورد آداب و رسوم عواملی که سبب تقلید روستا نشینان از شهرنشینان شده عبارتند از آسفالت جاده های روستایی و دایر شدن خطوط اتوبوس، سواری و غیره، دسترسی به شهر در طرز لباس پوشیدن جوانان و روی آوردن به شهرنشینی و تقلید از مراسم ساکنان شهر مانند عروسی ها و سوگواری ها که در گذشته کمال سادگی را داشت، امروزه با شهرنشینان در رقابت هستند.

آخرین کلام در مورد آداب و رسوم و شرح وظایف که در گذشته به عهده ی زنان بود و جایش را با مردان عوض کرده ، مانند پختن نان و تهیه ی پوشش کف اتاق ها که از مواد اولیه مانند پشم و پنبه ، توسط زنان روستایی به عمل می آمد و جایش را با نوبت گیری مردان روستایی در صف نانوايي و خرید فرش ماشینی و موکت، تعویض کرده است. دیگر از آن نان های مرغوب خوشبو و زیلوی پنبه ای و جاجیم که جهت خود و جهازیه ی دخترانشان تهیه می کردند خبری نیست و باید در موزه های مردم شناسی و غیره دنبالشان بگردیم.

در پایان زندگی در روستا لازم است ذکر شود فعالیت اغلب ساکنان دهات در امور کشاورزی می باشد و هر روز که می گذرد از دامپروری دور شده و زحمت دامداری و تهیه ی علوفه را دلیل روی گردانی از دامداری اظهار می دارند. به عبارت دیگر تولید کننده ی لبنیات دیروز خودش از شهر شیر و ماست و کره می خرد و گاهی محسرت روزهای گذشته را می خورد.

عده ای از ساکنان روستاهای خوی خانوارهای طایفه ی کرد سنی که عموماً از تلفیق کشاورزی و دامداری امرار معاش می کنند و کوچ در سالمانهای بزرگ که در گذشته معمول بود امروزه میسر نیست . هم اکنون این طایفه در روستاهای زری، همدوان، مخین، قطور، گوگرد، حبش بالا و پایین، راویان و آملالو، حصار، استران، یزدکان و کلت بالا ساکن هستند . لازم به تذکر است که این طایفه به زبان ترکی صحبت نموده و دارای مذهب شافعی می باشند.

روستاهایی که در غرب شهرستان خوی واقع شده و کبدنژاد می باشند، به علت کوهستانی بودن و نداشتن زمین زراعی و پایین بودن درجه هوا در فصول پاییز و زمستان و بهار، کاشتن درخت بعضی از محصولات کشاورزی مقدور نمی باشد. عروسی ها و سوگواری ها تقریباً با سایر روستاهای خوی یکسان است، فقط چند همسری در مناطق کرد نشین هنوز در مقیاس کم رواج دارد. در مورد آموزش و پرورش روستائینان، مطابق آمار اداره ی آموزش و پرورش در تمامی روستاهایی که جمعیت زیادتری دارند دانش آموزان در مقطع راهنمایی و دبیرستان مشغول تحصیل می باشند.

تا سال ۱۳۵۴ هـ ش که کشت تخم افتابگردان معمول نشده بود روستاییان خوی به کشت محصولات جالیزی مانند هندوانه، خربزه، خیار تاکستان و باغ های میوه که در نوع خود بی نظیر بود اشتغال داشتند. همچنان که مستوفی در سال ۷۴۵ هـ ق در کتاب نزهة القلوب، خوی را شهری آباد با باغستان های فراوان و تاکستان های وسیع خوانده و گلابی پیغمبری آن را که هنوز هم در چند باغ قدیمی

نشانه هایی از آن مانده است در شیرینی، آبداری و درشتی بی نظیر یافته است. گل سرخ خوی که در باغ های اطراف شهر و روستاها کاشته می شود دلالت به زیبایی و لطافت آب و هوای خوی دارد.

سخن را با رباعی ظهیر خونجی، شاعر قرن هفتم به پایان می برم:

گل سرخ را که مبارک رخ و فرخنده پی است هر جا که بود زینت آن جا ز وی است

گفتم ز کدام شهری ای من خاکت؟ گفتا نشنیده ای که اصلم ز خوی است؟^۱

اما نظام اجتماعی از شکل طوایف بر اساس گروه های خویشاوندی است که بر گرداگرد هسته ی خانوادگی گسترش یافته و دامنه ی آن به ایل می رسد. ایل وسیع ترین مرز خویشاوندی است که اعضای آن معمولاً حد مشترکی دارند. بر این اساس است که دارای باورهای مشترک و فرهنگ و سنت های همگون هستند. فرهنگ عشایر عموماً در طول قرون و اعصار، سینه به سینه انتقال یافته و به نسل کنونی رسیده است. در مورد روستاییان غیر عشایری هم بر اساس خویشاوندی هسته ی خانوادگی گسترش یافته و دامنه ی آن به طایفه می رسد. به همین جهت اکثر ساکنان روستا ها از چند طایفه ی بزرگ و کوچک تشکیل یافته و هر یک از افراد نسبت به طایفه ی خود نوعی تعصب داشته و به خوبی می داند که به کدام طایفه وابسته است. با تحولاتی که نسبت به گذشته در روابط اجتماعی روی داده، ولی وجود ریش سفید و کد خدامشی که پیش مشکل گشاست.

آخرین مطلب در مورد آداب و رسوم آبادی های خوی قابل ذکر است. عموماً پوشش زنان کاملاً در حدود حجاب اسلامی است و مردان نیز از لباس هایی که همه ی اعضای بدن آنها را میپوشانند و کمی هم گشاد هستند استفاده کرده و در مورد کودکانشان سعی می کنند از لباس های تنگ و رنگ های جلف دوری کنند.

در پایان بر خود فرض می دانم که از زحمات و راهنمایی های آقای دکتر محمد باقر محسنی رئیس دانشگاه آزاد خوی، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم؛ چرا که در حکمت و اصلاح متن کتاب کمک شایانی نمودند.

عباس ملّا عباس زاده